

## نقش سرکوبگر ارتش تشدید میشود

دخالت ارتش در وقایع داخلی، راه حلی است که رژیم شاه ۳۰ سال از آن استفاده کرد

وقتی فرید استعفا کرد، اظهار داشت که یکی از دلایل استعفای وی، کوشش گروه‌های مختلف برای درگیر کردن ارتش علیه مردم جهت "حل" اختلافات داخلی بوده است. "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" بنا به شیوه همیشگی‌اش در این مورد ترجیح داد که سکوت اختیار کند و فقط به پخش خبر استعفای فرید و انتصاب جان‌شین وی بسنده کرد. مطبوعات و افکار عمومی، نیز بسط اظهارات فرید توجه چندانی نکرده‌اند و قضیه کم‌کم در لابلای مسائل و اتفاقات دیگر گم شد، در حالیکه اشاره فرید به "گروه‌هایی" که میخواهند، ارتش را در "حل" اختلافات داخلی دخالت دهند، شایسته چنین بی‌توجهی‌ای نبوده.

کوشش برای دخالت دادن ارتش در وقایع داخلی، بیش از هر چیز، معرف ماهیت قدرت حاکم و توانایی و قابلیت‌های "دولت انقلاب" در ارزیابی از خصلت‌های جنش و برخورد با نیازهای مردم است. دولت وقتی بهر دلیل نتواند پاسخ روشن و صریحی به نیازهای مردمی که برای احقاق حقوق خود، رژیم شاه - امپریالیسم را به زباله‌دان تاریخ روانه ساختند، بدهد، راه حلی جز برق انداختن چکمه ژنرال‌های ارتش ندارد.

راه حلی که رژیم شاه نیز ۳۵ سال از آن استفاده کرد و اینگونه که میبینیم دولت حاکم کنونی نیز علیرغم اینکه پسوند "انقلاب" را نیز بدک میکشد، به آن دست زده است.

دستور صریح دولت به لشکر ۶۴ آذربایجان غربی، جهت کنترل شهرهای "مریوان"، "سرنه" پس از استعفای فرید صرف نظر از آنکه سرآغاز حضور و خودنما

- بی‌مجدد ارتش در صحنه کشمکش‌های درونی جامعه است، نماینده سوءاستفاد صریح دولت از اعتماد بوده‌هایی است که هنوز پی به ماهیت کردارندگان فعلی جامعه نبرده‌اند.

اگر به همه اقداماتی که تاکنون دولت فعلی انجام داده و "متفکرین" و "صاحب‌نظران" دولت ابراز داشته‌اند نگاه کنیم، به آسانی در خواهیم یافت که چرا از همان ابتدای پیروزی مردم کوشش عمده آنان بازسازی ارتش بسوده است. انتصابات مجدد و با ابقاء فرماندهان رژیم شاه در پست‌های خود، زمزمه خرید مجدد اقزارهای مدرن آمریکایی و استخدام دوباره کارشناسان خارجی (بخوانید آمریکایی) توسط ارتش، تصویب قانون عفو نظامیان، تبلیغات حساب‌شده و جنجالی به نفع ارتش به عنوان "تقویت روحیه پرسنل ارتش"، همه و همه، نمایانگر این بوده‌هست که کردارندگان حکومت، علیرغم تاکید صریحشان بر "مشروعیت" دولت، متوجه تناقض صریح و آشکار نیازهای انقلاب و منافع طبقاتی خود بوده‌اند. دولت میدانست که مردم دیگر به آسانی گذشته تن به ستم نخواهند سپرد و بنا بر این باید ارتش را بازسازی نمود.

انحمار وسائل ارتباط جمعی توسط دولت، این امکان را موقتاً در اختیار آنان قرار داد تا شعار "ارتش خلقی بیا میکنیم" را بسرعت، تبدیل بسه "ارتش برادرمات" نمایند و آهسته آهسته، زمینه‌های دخالت مجدد ارتش را با تغییر نام ارتش شاهنشاهی به "ارتش ملی جمهوری اسلامی"، که بمنزله غسل تعمید ارتش و آشتی این بنیاد ارتجاعی با مردمی بود که تا روزهای انقلاب، برآستی ارتش را مسئول همه

فجایع و جنایات رژیم خودکامد شاه - امپریالیسم میدانستند، فراهم نمایند. چونکی انعکاس حوادث "مریوان" و "سرو" در رادیو و تلویزیون دولت نشان میدهد که دست اندرکاران بازسازی ارتش، حتی از بکارگیری روش‌های معمول دیکتاتوری بهلوی برای این امر ابایی ندارند.

رادیو - تلویزیون دولت، از مدت‌ها قبل، با انعکاس یکطرفه وقایع کردستان، به توجیه دخالت ارتش پرداخت. تاکید ضمنی تماس‌گزارشگران وقایع کردستان بر ضرورت حضور ارتش برای سرکوبی "ضدانقلاب" نوعی از بی‌شرمی و وقاحت را به عرضه نمایش نهاد که آخرین آن رپرتاژی از مریوان در ۵۸/۵/۳ بود. گزارشگر تلویزیون در تمامی سئوالات خود از مردمی که خود شاهد فجایع مزدوران مسلح فتوئال‌های این منطقه بودند، به ضرورت حضور ارتش تکیه خاص و حتی با وقاحت تا باید آنرا در دهان مباحبه شونندگان مینهاد.

دولت با تکیه بر نقش تفرقه‌انداز و ویرانگر رادیو و تلویزیون کوشش دارد که حضور لشکر ۶۴ را در وقایع کردستان توجیه نماید. این کوشش که مثل همیشه، آخرین تیرترکش ارتجاع برای سرکوبی خواست‌های حقوق طلبانه مردم است، در نهایت جز مستعد ساختن ارتشی که هنوز تاروپودش دردست ارتجاع و امپریالیسم است، برای کودتای نتیجه دیگری نخواهد داشت.

سکوت نیروهای مترقی در مورد دخالت ارتش، باعث میشود که کام‌ها آهسته ارتجاع به یورش علیه انقلاب تبدیل شود. 